



۳۱۹۱۴۳



دانشگاه تهران

مجتمع آموزش عالی قم

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق جزا و جرم شناسی

015672

موضوع:

تحلیل مبانی فقهی و حقوقی هیأت منصفه

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر غلامحسین الهام

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محسن رهامی

دانشجو:

علی نوریان

سال تحصیلی ۸۰ - ۱۳۷۹

۳۱۹۴۳

تقدیم به :

خانواده گرامی و عزیزه

و

کلیه دانش پژوهان و عدالت خواهان

فهرست

عنوان

صفحه

مقدمه یک

فصل اول: کلیات

مبحث اول: تعریف هیأت منصفه و مبدأ پیدایش آن ۱

الف - تعریف لغوی هیأت منصفه ۱

ب - تعریف اصطلاحی هیأت منصفه ۲

ج - مبنا و مبدأ پیدایش نهاد هیأت منصفه از نظر تاریخی ۴

مبحث دوم: تعریف جرم سیاسی و مطبوعاتی ۶

الف - جرم سیاسی و مفهوم و ماهیت آن: ۶

ب - جرم مطبوعاتی و مفهوم و ماهیت آن ۸

۱ - جرم مطبوعاتی در قانون مطبوعات ۱۳۶۴ ۹

۲ - جرم مطبوعاتی در اصلاح قانون مطبوعات ۱۳۷۹ ۱۰

مبحث سوم: هیأت منصفه در حقوق ایران ۱۱

گفتار اول: نهاد هیأت منصفه در قوانین قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۱

الف - هیأت منصفه در متمم قانون اساسی ۱۲۸۶ ۱۱

ب - قانون محاکمه وزراء مصوب ۱۳۰۷ ۱۲

ج - قانون هیأت منصفه ۱۳۱۰ ۱۲

د - لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۱ ۱۳

ه - لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ ۱۴

گفتار دوم: هیأت منصفه در قوانین پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۱۵

الف - لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۰ ۱۵

- ب - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸ ۱۷
- ج - قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و... مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ ۱۷
- د - قانون مطبوعات ۱۳۶۴ ۱۸
- هـ - قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۰ ۱۹
- ۲۰ **مبحث چهارم: تبیین هیأت منصفه در حقوق کشورهای غربی**
- ۲۱ **گفتار اول: هیأت منصفه در حقوق انگلستان**
- الف - نحوه انتخاب اعضاء ۲۱
- ب - شرایط عضویت ۲۲
- ج - اختیارات ۲۲
- د - نحوه شرکت در دادرسی‌ها ۲۳
- ۲۴ **گفتار دوم: بررسی تاریخی و تطبیقی نهاد هیأت منصفه در حقوق آمریکا**
- الف - تاریخچه ۲۴
- ب - طرز تشکیل، وظایف و نحوه عملکرد هیأت منصفه در آمریکا ۲۵
- ۲۸ **گفتار سوم: هیأت منصفه در حقوق فرانسه**
- الف - نحوه انتخاب اعضاء ۲۸
- ب - شرایط عضویت ۲۸
- ج - اختیارات ۳۰
- د - نحوه شرکت در دادرسی‌ها ۳۱

فصل دوم: ترکیب و کارکرد هیأت منصفه

- ۳۳ **مبحث اول: نحوه انتخاب اعضای هیأت منصفه در تطور قوانین**
- ۳۳ **الف: قانون هیأت منصفه مصوب ۱۳۱۰**

ب: لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۱ ۳۴

ج: لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ ۳۵

د: لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ / ۵ / ۲۵ ۳۵

ه: قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ ۳۶

مبحث دوم: بررسی تحلیلی مبانی تعیین و ترکیب اعضاء ۳۷

الف: نسبت به قوه مجریه ۳۹

ب: نسبت به قوه قضائیه ۳۹

ج: نسبت به افکار عمومی ۳۹

مبحث سوم: گستره وظایف هیأت منصفه ۴۰

الف: هیأت منصفه اتهامی ۴۰

ب: هیأت منصفه رسیدگی به جرایم (سیاسی و مطبوعاتی) ۴۲

مبحث چهارم: وظایف هیأت منصفه ۴۳

الف: اظهار نظر در مورد مجرمیت و ملاکهای تصمیم‌گیری ۴۳

۱- قانون و اصول جزایی ۴۵

۲- عرف و عادات اجتماعی ۴۵

۳- نسبت مجرمیت با مسئولیت کیفری ۴۶

۴- مجرمیت بر اساس تشخیص موضوع ۴۷

ب: اظهار نظر در مورد استحقاق تخفیف یا عدم آن ۴۷

۱- رأی هیأت منصفه مبنی بر مستحق تخفیف دانستن متهم ۴۸

۲- رأی هیأت منصفه مبنی بر عدم استحقاق تخفیف ۴۸

۳- ضرورت اظهار نظر در مورد تخفیف ۴۹

۴- سکوت هیأت منصفه در مورد استحقاق یا عدم استحقاق تخفیف ۴۹

فصل سوم: وظایف دادگاه

- مبحث اول: وظیفه دادگاه در تفهیم اتهام ۵۲
- مبحث دوم: وظیفه دادگاه در صدور قرار تأمین ۵۳
- مبحث سوم: وظیفه دادگاه در تبعیت از هیأت منصفه ۵۳
- الف: تشخیص عنوان اتهام ۵۴
- ب: تعیین مجازات ۵۴
- ج: اعمال تخفیف در صورت سکوت هیأت منصفه ۵۵
- د: تشدید مجازات ۵۶
- ه: تعدد معنوی در صورت براءت از عنوان اشد ۵۶
- و: تعلیق مجازات و لغو تعلیق ۵۸
- ز: مجازات تکمیلی در صورت اظهارنظر هیأت منصفه بر تخفیف مجازات ۵۹
- ح: اختلاف نظر در مورد مجرمیت ۶۱

فصل چهارم: مقررات شکلی

- مبحث اول: رسمیت دادگاه با حضور هیأت منصفه ۶۴
- الف: حداقل اعضای مورد نیاز ۶۴
- ب: حضور همه اعضای هیأت منصفه (اصلی و علی البدل) ۶۵
- ج: عدم نصاب و تکلیف دادگاه ۶۷
- د: وحدت افراد در طول دادرسی (تنفس و تعطیل دادگاه) ۶۸
- مبحث دوم: دادگاه صالح رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی ۶۹
- الف: دادگاه جنایی ۶۹

ب: دادگاه عمومی..... ۷۰

ج: دادگاه انقلاب..... ۷۱

د: دادگاه نظامی..... ۷۲

ه: دادگاه ویژه روحانیت..... ۷۴

و: صلاحیت محلی..... ۷۷

۱- محل انتشار نشریه یا مطبوعات..... ۷۷

۲- محل طرح شکایت..... ۷۸

۳- صلاحیت محلی و هیأت منصفه..... ۷۹

مبحث سوم: موارد رد هیأت منصفه

مبحث چهارم: وظایف و اختیارات هیأت منصفه در محکمه

الف: سوگند هیأت منصفه..... ۸۱

ب: نحوه تحقیق از شهود و مطلعین..... ۸۲

ج: مقررات ناظر به اتخاذ تصمیم در هیأت منصفه..... ۸۲

۱- نحوه ابراز نظریه..... ۸۳

۲- مدت و زمان اعلام رأی..... ۸۳

۳- شیوه رأی‌گیری..... ۸۴

۴- مفهوم رأی ممتنع..... ۸۵

۵- تجدید نظر در آراء محاکم و هیأت منصفه..... ۸۶

فصل پنجم: فلسفه تأسیس و مبانی فقهی هیأت منصفه

مبحث اول: فلسفه تأسیس و دلایل موافق و مخالف

الف: دلایل موافقین..... ۸۹

۱- قضاوت افکار عمومی	۸۹
۲- کنترل قاضی و استحکام قضاوت	۸۹
۳- اجرای بالنسبه کامل عدالت و واقع گرایی در صدور رأی	۹۰
۴- طبیعت ویژه برخی جرایم (مطبوعاتی و سیاسی)	۹۱
۵- سابقه تاریخی مشورت با صاحب نظران در اسلام	۹۲
۶- ضرورت استفاده از نظر کارشناس در تشخیص موضوعی	۹۳
۷- تصریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۶۸	۹۵
ب: دلایل مخالفین	۹۶
۱- خدشه دار نمودن اصل استقلال قاضی	۹۶
۲- فقدان تجربه و تخصص و تعصب گرایی در ابراز نظریه	۹۹
۳- مداخله هیأت منصفه با اصول قضای اسلام	۱۰۱
ج: ارزیابی نظرات موافقین و مخالفین	۱۰۲
مبحث دوم: فرضیه های شرعی انطباق هیأت منصفه با مبانی شرعی	۱۰۴
الف: فرضیه جرم حکومتی و دخالت هیأت منصفه	۱۰۴
ب: فرضیه مخاوضه	۱۰۶
ج: نظریه قضاء شورایی	۱۰۹
۱- نظر مخالف با قضاء شورایی	۱۱۰
۲- نظر موافق با قضاء شورایی	۱۱۲
۱- ۲- مشاوره حاکم دادگاه با مشاوران بدون الزام به متابعت از نظر ایشان	۱۱۲
۲- ۲- مشاوره حاکم دادگاه با مشاوران قضایی و الزام به متابعت از نظر اکثریت	۱۱۴
۲- ۳- مشاوره حاکم با مشاوران غیر قضایی و الزام به تبعیت از نظر اکثریت	۱۱۶
۳- مقایسه هیأت منصفه با نظریه قضاء شورایی	۱۱۶

مبحث سوم: نحوه عملکرد و ایفای نقش بوسیله هیأت منصفه ۱۱۷.....

الف: تبعیت الزامی قاضی از نظر هیأت منصفه ۱۱۷.....

ب: ارائه نظر مشورتی به قاضی بدون الزام وی به تبعیت از نظر هیأت منصفه ۱۲۰.....

ضمیمه

نگاهی به روند رسیدگی به جرایم مدیر مسئول نشریه گردون ۱۳۷۱ ۱۲۲.....

الف - متن کیفرخواست ۱۲۳.....

ب - متن دفاعیه متهم ۱۲۷.....

ج - متن دفاعیه وکیل متهم ۱۲۷.....

د - نظریه هیأت منصفه ۱۳۰.....

ه - تحلیل نظر هیأت منصفه ۱۳۱.....

و - رای دادگاه ۱۳۲.....

نتیجه گیری ۱۳۵.....

فهرست منابع

الف - کتب فقهی و حقوقی ۱۴۰.....

ب - فهرست مقالات و جراید ۱۴۱.....

ج - فرهنگ لغات فارسی ۱۴۳.....

د - منابع خارجی ۱۴۳.....

ه - پایان نامه ها ۱۴۳.....

مقدمه

هر نهاد حقوقی، در سازمان اجتماعی، معطوف به اهداف معین و خاص است. اهداف نهادهای حقوقی گاه به صورت منصوص و صریح در متن قانون نوشته می‌شود و گاه نیز بایستی از روح قانون و نیز مذاکرات و مباحث مطروحه هنگام تصویب قانون استنباط شود. شناخت و تحلیل اهداف نهادهای حقوقی، صرفاً دارای ارزش نظری نیست بلکه بسیار مهمتر از آن دارای ارزش علمی برای وصول به هدفهای کلی جامعه است. (وظیفه حقوق برقراری نظم است و نه ایجاد بی‌نظمی و اغتشاش، لذا قوانینی که نتوانند به تثبیت نظم اجتماعی پردازند و خود باعث ایجاد یا تشدید بی‌نظمی شوند به سرعت و با سهولت متروک و از صحنه حیات اجتماعی حذف می‌شوند.) در این بین، شناخت دقیق و تبیین اهداف نهادها و تأسیسات حقوقی جدید نسبت به آنچه که گفته شد و نسبت به نهادهای حقوقی قدیمی‌تر، اهمیت بیشتری دارد. به خصوص اینکه لازم باشد این نهاد حقوقی جدید با اساس و مبانی حکومت و جامعه نیز تطبیق داده شود و در تعارض با اصول و مبانی آن نظام نباشد. در واقع مقنن با تأسیس هر نهاد حقوقی جدید، در واقع نهال نوری را غرس می‌کند که هرگونه گزند یا غفلت باعث خشکیدن آن می‌شود و لذا نهادهای حقوقی جدید بایستی با وسواس علمی فراوان طراحی شوند و مقررات آنها تدوین گردد.

نهاد حقوقی «هیأت منصفه» در حقوق ایران از جمله این نهادهاست که به رغم اهمیت فراوان و موثری که در تأمین حقوق و آزادیهای شهروندان و حراست آنها از تعرض و دستبرد دیگران دارد، دیر زمانی است که به اجراء در نیامده و آن زمانی هم که بر اثر خواست و جهت‌گیری جامعه و یا در اثر همت و تلاش مسئولین به مرحله اجراء درآمده به جهت اینکه نوپا و تازه بوده و از قدمت و سابقه طولانی برخوردار نبوده است، بی‌شک از معایبی برخوردار بوده که ضروری است با مطالعه و تحقیق، در راه پویایی و تکمیل و جامعیت آن، تلاش کرد. هدف از تدوین این پایان‌نامه نیز جز این نبوده است که به پویایی و کارآیی این نهاد نوپا و جدید کمک شود.

انجام محاکمات منصفانه و عادلانه یکی از اهداف عالی دین مبین اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی

ایران می‌باشد و در منشور حکومت اسلامی در صدر اسلام خواه در کلام خداوند متعال در قرآن مجید و خواه در فرمایشات نبی مکرم اسلام و ائمه معصومین سلام... علیهم اجمعین و نیز در منشور حکومت اسلامی ایران در قانون اساسی بدان اهمیت فوق العاده‌ای داده شده است. به نحوی که در مقدمه قانون اساسی و نیز اصول ۱۵۶ تا ۱۷۴ قانون مذکور به تحقق عدالت و احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع و نیز ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی تأکید و تصریح شده است. به علاوه ماده ۶ معاهده اروپایی حقوق بشر و ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر انجام محاکمات عادلانه و منصفانه تأکید نموده است. با حضور «هیأت منصفه» در سیر دادرسی می‌توان تا حد بسیار زیادی به این هدف عینیت بخشید. در برخی کشورها هیأت منصفه دارای قدرت و سابقه طولانی است همانند فرانسه و انگلستان و آمریکا. اما هنوز هم کشورهایی وجود دارند که وجود این نهاد را نپذیرفته و آن را در تأسیسات حقوقی خود وارد نکرده‌اند و یا اینکه در برخی کشورها این نهاد از قدمت و سابقه طولانی برخوردار نمی‌باشد. علی‌ای حال هیأت منصفه به عنوان یکی از مظاهر حاکمیت ملی و دموکراسی دارای جنبه سیاسی نیز می‌باشد و یکی از عوامل مبارزه با استبداد و خودسری و خودکامگی دولت‌ها و محاکم قضایی به شمار می‌رود. به نحویکه وجود این نهاد، برای تشخیص میزان دموکراسی و نیز تعیین حدود آزادی در کشورها، یک ضابطه محسوب می‌گردد.

در قانون اساسی کشور ما نیز در هنگام رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی حضور این نهاد، پذیرفته شده است و سعی خواهیم کرد که تا حد امکان و به قدر وسع و بضاعت علمی خود در جهت تبیین موضوع و شناخت ویژگی‌ها، مبانی و خصوصیات هیأت منصفه در حقوق ایران آشنا شویم.

پیشینه تحقیق:

در خصوص موضوع تحقیق تحت عنوان «تحلیل مبانی فقهی و حقوقی هیأت منصفه» تاکنون کتابی یا پایان نامه یا رساله‌ای که منحصرأ به بحث «هیأت منصفه» پرداخته باشد وجود نداشته و یا لااقل اینجانب با تمام سعی و تلاش در جستجوی منابع تدوین پایان نامه به آن دسترسی پیدا نکردم. لیکن مطالب مربوط به بحث

«هیأت منصفه» در لابلای کتب حقوق اساسی هنگام بحث و بررسی پیرامون اصل ۱۶۸ قانون اساسی، کتابهای مربوط به نظارت بر مطبوعات، پایان نامه هایی که حول محور بحث جرایم مطبوعاتی و جرایم سیاسی تاکنون تدوین شده، مطالبی در خصوص موضوع هیأت منصفه وجود داشت ولیکن مقالات نسبتاً زیادی در خصوص موضوع در مجلات و ماهنامه و حتی روزنامه‌ها وجود داشت که البته آن بخشی که مربوط به مقالات علمی و حقوقی بوده بیشتر قدیمی است و در شمارگان جدید این مجلات و در سالهای اخیر به جز یک مقاله که تحت عنوان «تحلیل حقوقی جرایم سیاسی و مطبوعاتی» تدوین شده، مقاله‌ای با بار صرفاً علمی و حقوقی مشاهده نشد ولیکن طی یکی دو سال اخیر به جهت طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس شورای اسلامی (دوره پنجم) مطالب نسبتاً متناسبی در جرایم و روزنامه‌ها منعکس شد که به جهت اینکه عمدتاً فاقد بار علمی بوده و صرفاً با اغراض وانگیزه‌های سیاسی و جناحی چاپ می‌شده قابلیت استفاده در موضوع پایان نامه را نداشت و لذا این پایان نامه با موضوع «هیأت منصفه» در نوع خود، اقدامی جدید است که بالاخره پس از اصلاح قانون مطبوعات در فروردین سال ۱۳۷۹ در نوع خود فاقد سابقه می‌باشد.

سوالات:

در تدوین پایان نامه، سعی گردیده است که پس از طرح سوال در خصوص ابهامات قانونی مربوط به نهاد هیأت منصفه و نیز مبانی فقهی و حقوقی آن، پس از تحقیق و بررسی به این ابهامات و سوالات پاسخ داده و در حد توان پیشنهاداتی نیز ارائه گردیده است.

سوالات اصلی موضوع تحقیق عبارتند از:

- ۱- آیا هیأت منصفه که البته به جهت تصریح آن در اصل یکصد و هشتم قانون اساسی از پشتوانه محکم حقوقی و قانونی برخوردار است با موازین فقهی و اسلامی انطباق دارد یا خیر؟ و در صورتی که منطبق با موازین فقهی است سابقه آن در حقوق اسلام چیست؟ و در صورتی که فاقد سابقه روشن می‌باشد آیا مغایرتی با موازین فقهی ندارد؟

۲- در فرض پذیرش این نهاد در حقوق موضوعه و عدم مغایرت آن با موازین حقوق اسلامی، حدود اختیارات و وظایف آن تا کجاست؟ و به عبارت دیگر هنگام تعارض بین نظر اعضای هیأت منصفه با قضات دادگاه، نحوه حل تعارض چگونه است؟ آیا قاضی ملزم به تبعیت از نظر اعضای هیأت می باشد یا خیر؟ و اصولاً آیا تبعیت قاضی از نظر اعضای هیأت منصفه، با اصل استقلال قاضی و نیز مبانی شرعی قضاوت سازگاری دارد یا خیر؟

۳- در فرض عدم تبعیت الزامی قاضی از نظر هیأت منصفه، فلسفه وجودی این نهاد و چگونه قابل توجیه است؟ و آیا نقش و کارکرد آن بیهوده تلقی نمی شود؟

۴- ابهامات و اشکالات قوانین مربوطه هیأت منصفه چیست و چه پیشنهاداتی در جهت رفع ابهام و نیز دور نماندن هیأت منصفه از هدف تشکیل آن مطرح است؟ و چگونه می توان هیأت منصفه ای تشکیل داد که بتواند هدف از تأسیس آن را، در عمل به منصفه ظهور و تبلور عینی برساند.

فرضیه‌ها:

از آنجاکه هدف از تحقیق، پاسخ به فرضیه هایی است که در خلال مباحث مطروحه در پایان نامه، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است لذا مختصراً به بیان فرضیه‌ها می پردازیم:

۱- در حقوق اسلامی و مقررات فقهی، تأسیس هیأت منصفه با عنوان خاص وجود ندارد.

۲- مقرراتی که قابل مقایسه با تأسیس هیأت منصفه می باشد در حقوق اسلام یافت می شود.

۳- هیأت منصفه با روح قوانین و مقررات اسلامی مغایرت و منافات ندارد.

۴- حضور هیأت منصفه، در کنار قاضی به هنگام قضاوت، او را در تحقق و اجرای عدالت کمک می نماید.

۵- قاضی در تبعیت یا عدم تبعیت از هیأت منصفه آزاد است

روش تحقیق و طرح کلی آن:

روش تحقیق عمدتاً به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعه و کنکاش در منابع تئوری بوده و بخشی از

تحقیق و پژوهش نظری نیز مبتنی بر استنباط و تحلیل نگارنده می باشد که به خصوص پس از تصویب طرح

« چهار »

اصلاح قانون مطبوعات در سال ۱۳۷۹ به جهت فقدان یا کم بودن سابقه اجرای قانون مذکور، این خصوصیت به نحو بیشتری به چشم می‌خورد. در اینجا لازم است متذکر شویم که تحلیل‌ها و استنباط‌های شخصی نگارنده، بی‌شک خالی از نقص و ایراد نخواهد بود ولی امید است نقطه‌ای باشد برای طرح نظرات مخالف تا انشاءاله با تداوم اجرای قانون و ایجاد رویه قضایی و بروز نارسایی‌ها و اشکالات در هنگام تدوین قوانین مشابه به خصوص در تدوین لایحه جرم سیاسی و یا اصلاح قوانین موجود، مفید واقع شود.

مطالب این پایان‌نامه در پنج فصل جداگانه مطرح شده که به ترتیب در فصل اول، تحت عنوان «کلیات» سعی گردیده که موضوع تبیین شود و علاوه بر ارائه تعاریف لغوی و اصطلاحی به تاریخچه تشکیل این نهاد (از جنبه قانونی) در حقوق ایران قبل از انقلاب و پس از انقلاب پرداخته و نیز به نحو مختصری با نهاد هیأت منصفه در سه کشور انگلیس، آمریکا و فرانسه آشنا شویم. سپس در فصول بعدی «ترکیب و کارکرد هیأت منصفه» و مباحثی از قبیل مبنای انتخاب اعضاء و گستره وظایف هیأت منصفه و وظیفه دادگاه در قبال نظر اعضاء هیأت منصفه و نیز مقررات شکلی مربوط به نحوه تشکیل دادگاه و مقررات مربوط به آیین دادرسی هیأت منصفه، دادگاه صالح و در نهایت تجدید نظر در آراء صادره از دادگاه که متعاقب ارائه نظر هیأت منصفه صادر می‌شود مورد بررسی واقع شده است. در فصل پنجم به نحو کلی تر و با عنایت به اینکه هدف اصلی تحقیق ما تحلیل مبنای فقهی و حقوقی بوده است، از دید حقوقی به این نهاد نگریده و فلسفه تأسیس، دلایل موافق و مخالفین آن را مطرح نموده‌ایم و سپس فرضیه‌های انطباق هیأت با مبانی شرعی به نحو جزئی‌تر مورد مطالعه واقع شده و به طرح نظراتی شامل فرضیه جرم حکومتی و دخالت هیأت منصفه در رسیدگی به جرایم حکومتی، فرضیه مخاوضه و نظریه قضاء شورایی پرداخته شده است و سپس نتیجه تحقیق در عباراتی هرچند کوتاه و مختصر بیان شده است که ضمن اقرار و اعتراف به وجود کم و کاستی در راه انجام تحقیق امیدوارم نتیجه تلاش علمی ناچیز که با بضاعت اندک، تهیه و تدوین یافته مورد توجه استادان گرامی و دانشجویان عزیز واقع شود.

فصل اول:

کلیات

گفتار اول: تعریف هیأت منصفه و مبداء پیدایش آن

در این گفتار نظر به اینکه واژه «هیأت منصفه» معادل فارسی کلمه «Jury» است و در واقع ریشه و مبنای فارسی ندارد لذا ضرورت دارد که از نظر لغوی و نیز اصطلاحی کلمه «Jury» و «هیأت منصفه» مورد بررسی قرار گیرد. در ضمن در این مبحث مبنای مبداء پیدایش این تأسیس حقوقی را بررسی خواهیم کرد.

الف - تعریف لغوی هیأت منصفه

هیأت در لغت به معنی گروه و جمعیتی است که باید اقدامات جمعی بکنند مانند گروهی از اشخاص معمولی که در محاکمات جنایی در حدود مقررات مخصوصی با دادرسان همکاری می‌کنند. (۱)

منصفه نیز که از کلمه انصاف گرفته شده و انصاف نیز در لغت به معنی مدنظر قراردادن وجدان است و به نظر می‌رسد از آنجا که هیأت منصفه در واقع «داوری وجدان» می‌باشد این معادل در فرهنگ فارسی به کار رفته است.

تعاریف متعددی از واژه «Jury» در فرهنگ‌های لغت و نیز فرهنگ‌های حقوقی بکار رفته که برای نمونه به چند مورد آن می‌پردازیم.

- «Jury» بمعنای «هیأت منصفه» و «Juror» بمعنای «عضو هیأت منصفه» (۲)

- «Jury» ژوری: هیأتی که در محاکمات سیاسی و مطبوعاتی در محکمه جنایی حاضر و رأی به مجرم یا غیر مجرم بودن متهم می‌دهد. (۳)

- هیأت منصفه توأم با دادرسان (۴)، هیأت منصفه‌ای که در دادرسی‌های جنایی و مطبوعاتی و سیاسی با مشارکت دادرسان دادگاه حکم می‌دهند و نظر و رأی آنها توأم با نظر و رأی قضات است. (۵)

- ۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ پنجم، صفحه ۷۶۴، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۰
- ۲- افنان، سید مهدی، فرهنگ حقوقی فارسی به انگلیسی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، صفحه ۲۶۴
- ۳- کاتبی حسینقلی، فرهنگ حقوق «فرانسه - فارسی»، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳، صفحه ۲۰۴

4- Jury a l' echevinage

۵- همان، صفحه ۲۰۴

ضمناً اصطلاحات مشابهی در سایر فرهنگ لغت‌ها به کار رفته و برخی از آنها به همراه چند کلمه دیگر و روی هم یک اصطلاح را ایجاد نموده است:

- «Jury tempering» بمعنای «تهدید و تطمیع هیأت منصفه» (۱)

- «Jury instruction» راهنمایی هیأت منصفه توسط قاضی (از نظر قانون حاکم بر دعوی) (۲)

ب- تعریف اصطلاحی هیأت منصفه

هیأت منصفه، که آن را به «نهاد قضایی مردمی» (۳) تعبیر می‌کنند عبارت از مجموعه‌ای از افراد عادی است که با داشتن شرایط اخلاقی و تواناییهای خاص و استقلال رأی و فکر به عنوان نماینده افکار عمومی برای شرکت در برخی از دادگاههای کیفری و همکاری با قضات حرفه‌ای در امر قضاوت دعوت می‌شوند. (۴) در این قسمت به ارائه چند تعریف مختلف از حقوقدانان و مؤلفین حقوقی می‌پردازیم.

هیأت منصفه: گروهی از افراد (هیأتی) هستند که معمولاً به تعداد ۱۲ نفر بوده و به صورت تصادفی (بدون انتخاب قبلی) تعیین می‌شوند بمنظور اینکه در خصوص واقعت پرونده تصمیم بگیرند و نظر خود را بدهند. اغلب این هیأتها به هنگام رسیدگی به جرایم انتخاب می‌شوند ولیکن معمولاً اعضاء هیأت در هنگام تحقیق و بررسی جنایات بزرگ و نیز گاهی اوقات در پرونده های مدنی مانند دعوی افتراء مورد استفاده قرار می‌گیرند. قاضی هیأت منصفه را به سمت امر حکمی راهنمایی می‌کند مثلاً تعریف جرم موضوع اتهام را برای آنان روشن می‌کند و نیز طبیعت و ماهیت و محدوده دفاعیات ممکن را نیز برای آنها روشن می‌سازد و همچنین قاضی دادگاه، مدارک و دلایل تعقیب و نیز دفاع انجام شده در برابر آن دلایل را برای اعضاء هیأت بصورت خلاصه توضیح می‌دهد. (۵)

۱ - فرهنگ اصطلاحات حقوقی، «انگلیسی فارسی»، بخش ترجمه دیوان دآوری دعوی ایران و لاهه، ۱۳۶۸، صفحه ۴۲

۲ - همان - صفحه ۴۳

3 - Jurisdiction populaire

۴ - هاشمی، سید محمد، «تحلیل حقوقی جرایم سیاسی و مطبوعاتی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰، صفحه ۱۲۲

5 - A concise dictionary of law - second Edition 1990 - Oxford Newyork - Oxford university press P 224

هیأت منصفه بایستی در برابر کلیه سوالاتی که مربوط به امر موضوعی می‌شود، تصمیم‌گیری نماید. قاضی همچنین بایستی این موضوع را برای اعضاء هیأت روشن کند که آنها صرفاً امر موضوعی را مورد بررسی قرار می‌دهند و متهم را درخصوص امر موضوعی می‌توانند تبرئه کنند مگر اینکه آنها مطمئن شوند که او بدون هیچگونه شک و تردید معقول مقصر می‌باشد. حکمی که توسط هیأت منصفه صادر می‌شود بایستی حتی الامکان بصورت اتفاق آراء باشد. اما وقتی حداقل ۱۰ نفر از اعضاء هیأت منصفه حضور داشته باشند و معذک نتوانند به یک اتفاق آراء برسند یک حکم با رای اکثریت می‌توانند قابل قبول باشد. (۱)

در رابطه با تعریف اصطلاحی هیأت منصفه در کتب و تألیفات حقوقی، تعاریف متعدد دیگری نیز وجود دارد که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

- دکتر لنگرودی در ترمینولوژی حقوق آورده است که: «هیأت منصفه گروهی از اشخاص غیر رسمی هستند که در رسیدگی به پاره‌ای از جرایم و تحت شرایط خاصی با قضات دادگاهها همکاری می‌کنند.» (۲)

- در تعریف دیگری از هیأت منصفه از دکتر آخوندی اینگونه آمده است: «هیأت منصفه عبارت از گروهی از افراد است که در رسیدگی به پاره‌ای از جرایم تحت شرایط خاصی با دادرسان دادگاههای کیفری همکاری می‌نمایند.» (۳)

- آقای عمید زنجانی نیز در تعریف هیأت منصفه آورده‌اند که: «هیأت منصفه نوعی تأسیس حقوقی است که در رسیدگی به جرایم به صورت مستقل و مشورتی دارای نقش قضایی در تصمیم‌گیری و آراء دادگاههاست.» (۴)

- در تعریف دیگری آمده است که: «هیأت منصفه افرادی هستند که دعوت شده‌اند تا درباره صحت یا

۱- فرهنگ فشرده حقوق، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۹، چاپ پردیس، صحافی فاروس ایران، صفحه ۲۲۴

۲- دکتر جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ پنجم، زمستان، ۱۳۷۰، تهران، گنج دانش، صفحه ۶۵

۳- دکتر آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۶۸، صفحه ۱۷۵

۴- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۶، ج ۱، صفحه ۳۷۳

- در تعریف دیگری آمده است که: «هیأت منصفه افرادی هستند که دعوت شده‌اند تا درباره صحت یا

سقم اعمال منتسب به متهم که در حضور آنها در دادگاه مطرح می‌شود اظهار نظر نمایند.»^(۱)

- در تعریف دیگری به نقل از Black's law dictionary آمده است که: «هیأت منصفه گروهی از افراد هستند

که برای مدتی از قشرهای مختلف مردم انتخاب شده و به آنها اجازه داده می‌شود تا شخصی را به عنوان

ارتکاب یک جرم عمومی احضار یا علیه وی اعلام جرم کنند یا محاکمه نمایند.»^(۲)

به نحویکه ملاحظه می‌شود تعاریف متعددی که در خصوص هیأت منصفه از سوی حقوقدانان ارائه شد

مشابهت بسیاری دارد. لیکن هیچکدام از تعاریف به طور جامع و مانع به تعریف هیأت منصفه نپرداخته‌اند.

مثلاً در تعریف ارائه شده از سوی دکتر جعفری صرفاً به همکاری اعضای هیأت منصفه با قاضی اشاره شده

ولی در خصوص نوع همکاری و محدوده آن روشن نشده که این همکار قاضی به چه نحو عمل می‌کند.

قاضی در محکمه می‌تواند همکاران دیگری نیز داشته باشد و در واقع این تعریف می‌تواند مشاوران، هیأت

کارشناسان، خبره‌های محلی و غیره و حتی کارکنان اداری را نیز در بر بگیرد و در تعاریف دیگر نیز دقیقاً

مشخصه‌های هیأت منصفه تبیین نشده است. به نظر می‌رسد نهاد یا تأسیس حقوقی هیأت منصفه عبارت

است از: مجموعه افرادی که به عنوان نمایندگان افکار عمومی جامعه انتخاب می‌شوند تا در جهت تبیین

اینکه آیا عمل ارتكابی بوسیله متهم در جرایم به خصوص (سیاسی و مطبوعاتی) موجب خدشه در وجدان

عمومی جامعه گردیده است یا خیر؛ نظر خود را به دادگاه ارائه تا دادگاه نیز نسبت به تطبیق عمل با قانون و

تعیین مجازات اقدام نماید.»

ج - مبنا و مبدأ پیدایش نهاد هیأت منصفه از نظر تاریخی

بنا به قول مورخین^(۳) هیأت منصفه به وضعی که الان موجود است تقریباً دنباله همان هیأت‌هایی است

۱- خامنه‌ای، مهین دخت، ترجمه «هیأت منصفه در دادگاههای کشورهای متحده آمریکایی شمالی»، مجله کانون وکلا، شماره ۸۶، سال ۱۶، ۱۳۴۲، صفحه ۱۱۱

۲- دکتر اسماعیلی، محسن، مجله رسانه، سال هشتم، شماره اول، صفحه ۷۱ (به نقل از Black's law dictionary - p.855)

۳- دکتر طباطبایی، علی محمد، هیأت منصفه از لحاظ تاریخی، مجله کانون وکلا، سال پنجم، شماره ۳۲، صفحه ۴۶، ۱۳۴۲